

## ارائه مدل مفهومی مطلوبیت سکونتگاه از طریق تحلیل دیدگاه پدیدارشناسان (نمونه موردی: چند مجتمع مسکونی در تبریز)

**یاشار اصلانیان** - دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.  
**حسین ذبیحی\*** - دانشیار گروه شهرسازی و معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران.  
**کمال رهبری منش** - استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.

**Presenting a conceptual model of settlement desirability by analyzing the views of Phenomenologist; (Case study, several residential complexes in Tabriz)**

### Abstract

his paper has been compiled with regard to the position and importance of the architecture terminology, including the term general "place" in philosophy, and particularly the "residence" in phenomenology, as its subset. This study attempts to develop logical and systematic procedure in order to gain and promote the sense of satisfaction by collecting view points in the form of a conceptual model. Such a model will first make possible the examination of past experiences then will pave the path to principles and criteria. Research method of the paper is a combination of logical reasoning method and a quantization- qualitative method as well as referential method and library study. In addition, a data collection tool based on library study, purposeful indentation technique and questionnaire were used to this end. Statistical population of this research is the Residents of several residential complexes in Tabriz city. The main path of diagram show, (how to display the process of become a whole decreases to detail, that the human settlement?). Thought of each philosopher has been presented in the form of diagram. After conclusion, the aggregated diagram has been presented in the form of a conceptual model for residence desirability.

**Keywords:** Residence desirability, Phenomenology, Maurice Merleau Ponty, Gaston Bechelard, Christina Norberg Schultz, Tabriz.

### چکیده

پژوهش حاضر با توجه به جایگاه و اهمیت واژگان معماری همچون (مکان)، بصورت اعم در مباحث فلسفی، و مفهوم (سکونت) در رویکرد پدیدارشناسی، به عنوان زیرمجموعه‌ای از آن، بصورت اخص تدوین گردیده است. امکان استخراج فرآیند نیل به رضایتمندی، بصورت مدلی مفهومی، از اندیشه پدیدارشناسان منتخب (مرلوپونتی، باشلار و شولتز)، پرسشی است که پژوهش بر اساس آن شکل گرفته است. مقاله در پی آن است که در ابتدا جوهره و اصالت سکونت را، مورد بررسی قرار داده و سپس با ارائه تعاریفی از مطلوبیت تشابهات و قرابت مابین این مفاهیم را بیابد. در این مسیر از روش تحقیق آمیخته (کمی و کیفی) و روش استدلال منطقی بهره برده شده است. ابزار پژوهش پرسشنامه و جامعه آماری، ساکنان مجتمع‌های مسکونی تبریز بوده‌اند. برای تایید همبستگی از لیزرل (تحلیل چند متغیره) بهره برده شده است. کلیدواژگان بدست آمده در سوالات مطرح و میزان تاثیر، از طریق قضاوت معناداری انجام گرفته است. دیدگاه هر یک از اندیشمندان در بخش خود بصورت دیاگرام ارائه گردیده است و در نهایت پس از نتیجه‌گیری از مباحث و ارائه نتایج تحلیل، دیاگرام تجمیعی بصورت مدل مفهومی مطلوبیت سکونتگاه ارائه گردیده است. مطالعه نشان داد که، ارتباط معنی‌داری بین ادراکات حسی، آگاهی مفهومی، این همانی با طبیعت و مطلوبیت سکونتگاه وجود دارد.

**واژگان کلیدی:** مطلوبیت سکونتگاه، پدیدارشناسی، موریس مرلوپونتی، گاستون باشلار، کریستین نوربرگ- شولتز، تبریز.

\*نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۱۹۳۷۵۲۰؛ رایانامه: h.zabihi@srbiau.ac.ir

این مقاله از رساله دکتری معماری نویسنده اول با عنوان «تاثیر تجربه چند حسی در مطلوبیت سکونتگاه‌های جمعی با رویکرد پدیدارشناسی» استخراج شده است که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین در حال انجام است.

## مقدمه

معماری اندیشه خلق یک بهشت زمینی است. بن‌مایه‌ای که خانه‌های ما را می‌سازد. سکونت را شاید بتوان به عنوان اولین عمل خودآگاه انسان برشمرد که همراه با خود، نیازهای مادی و معنوی او را تحت الشعاع قرار می‌دهد. ماهیت سکونت آنچنان در اندیشه انسان با اهمیت است که دیرینه آن به تاریخ فلسفه بشر می‌رسد. در دوران مدرن با توجه به ایده‌ها، نظرات و شرایط حاکم، این واژه دوباره به مفهوم سرپناه تقلیل پیدا کرد. از اواسط قرن بیستم میلادی انتقادات بسیاری به آراء و عقاید متفکران معماری و شهرسازی مدرن و شیوه اجرایی آنها وارد شد. منتقدان مدعی بودند که مدرنیسم مقولاتی مانند معنی، هویت و احساس تعلق را در نظر نگرفته است، بنابراین زمینه ظهور پدیدارشناسی و رویکرد آن به منظور ارائه مفاهیم و راه‌حلهایی که این فقدان را جبران سازد فراهم شد (بریمانی، ۳، ۱۳۹۱). پدیدارشناسان معماری، از جمله نوربرگ- شولتز<sup>۱</sup>، فرامپتون<sup>۲</sup> و پالاسما<sup>۳</sup> دارای دغدغه‌هایی یکسان هستند. به زعم ایشان تامین سکونت واقعی، به همراه ایجاد مطلوبیت و رضایتمندی، سهم بسزایی را در شکل‌گیری خاطره‌مندی، حس تعلق، هویت و در نهایت رفتار ساکنان بازی خواهد کرد. معماری که برای انسان، افزایش سطح کیفی زندگی و تامین نیازهای ادراکی و شناختی را در پی داشته باشد. هر پدیدارشناس با پرداختن به گوشه‌ای از این قلمرو گسترده، رسالت خویش را ادا نموده. این پژوهش درصدد آن است که روندی منطقی به منظور ارتقای رضایتمندی، از طریق تجمیع دیدگاه‌ها، در قالب مدلی مفهومی تدوین نماید. در این مسیر از اندیشه بزرگان پدیدارشناسی، بهره برده شده است. یک چنین مدلی امکان خواهد داد، تا در ابتدای امر تجارب گذشته را سنجد و سپس مسیری را به منظور دستیابی به ضوابط و معیارها پیمود.

## روش تحقیق

روش تحقیق مقاله حاضر، ترکیبی از روش استدلال منطقی و آمیخته کمی و کیفی است، که از روش اسنادی و مطالعات کتابخانه‌ای نیز بهره برده است. در ضمن از ابزار گردآوری داده مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای، تکنیک فیش‌برداری هدفمند و اخذ پرسشنامه برای این منظور استفاده شده است. جامعه آماری، ساکنان مجتمع‌های مسکونی تبریز بوده‌اند. پیرو بررسی به عمل

آمده سه مجتمع مسکونی آسمان، جماران و چمران به عنوان نماینده‌ای از مجتمع‌های مسکونی انتخاب و توزیع پرسشنامه انجام گرفته است. روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی، و داده‌های گردآوری شده با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS16 و Amos24 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. مقاله در سه بخش تدوین یافته است. در بخش اول به نظریه‌ها و تعاریف مرتبط، شامل پدیدارشناختی سکونت و مفهوم مطلوبیت اشاره شده، سپس با تشریح بنیان‌های فکری سه پدیدارشناس مدلی از مطلوبیت سکونتگاه بصورت تجمیعی از دیدگاه‌ها ارائه گردیده است و در پایان نظریه آزمایشی مدل مفهومی، بر اساس نمونه‌های موردی آورده شده است.

## پرسش‌های پژوهش

توجه به مفهوم سکونت، از مباحث مهم مطرح شده در اندیشه پدیدارشناسان است. کیفی‌گرایان از رویکرد پدیدارشناسی برای بیان نظریات خود بهره برده‌اند. مرلوپونتی<sup>۴</sup>، شولتز و باشلار<sup>۵</sup> هر کدام اصالت را به وجهی از این مفهوم عام بخشیده‌اند. این پژوهش در پی پاسخ به این سوال‌ها است که: ۱- نقطه تاکید هر یک از پدیدارشناسان مطرح شده در این پژوهش، در خصوص سکونت چیست؟؛ ۲- دیدگاه‌های این اندیشمندان را چگونه می‌توان، در مدلی مفهومی برای مطلوبیت سکونتگاه تجمیع کرد؟

پیشینه پژوهش  
مبانی نظری

در جهان امروز معماری با حوزه‌های مختلفی در تعامل است واز آن‌ها تاثیر پذیرفته و بر آن‌ها تاثیر می‌گذارد. معماری شکل دادن به جهان فیزیکی با مهر انسانی است تا محلی شود برای انس و سکونت (پنج‌تنی، ۱۳۹۵، ۵). سهم فلسفه در معماری اغلب پرسشگری است، یعنی به چالش کشیدن پیش‌انگاشت‌های رویکرد ما به معماری که اغلب مفروض دانسته شده‌اند، و بدین‌سان گشودگی امکاناتی نو و جدید بر روی آن (Harries, 1997, 13). به تعبیر دیگر، وظیفه فلسفه در معماری نه رها کردن آن است و نه فراهم آوردن بستری مطمئن و یا انداختن آن در مسیر جاده‌ای سراسر است و ایمن، بلکه تنها پرسش و پرسشگری بوده است تا به ما بیاموزد که به معماری بازبیناندیشیم، پیش‌فرض‌های آن

را به چالش بکشیم، و به ما این امکان را فراهم آورد تا راه‌هایی نو جهت درک شرایط موجود بیابیم. فلسفه به ما می‌آموزد تا چگونه دقیق، عمیق و گسترده فکر کنیم، و پدیدارشناسی نیز چنان عرصه‌ای از فلسفیدن به معماران چنین قابلیت‌هایی اعطا می‌کند (شیرازی، ۱۳۹۱، ۹۱).

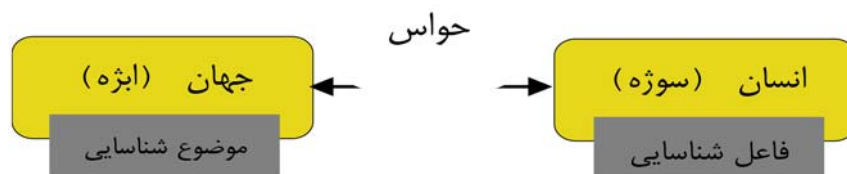
### پدیدارشناسی سکونت

پدیدارشناسی واژه‌ای اساساً فلسفی است، چرا که برای نخستین بار فیلسوفان بوده‌اند که این واژه را جهت شرح موقعیت چیزها و وضعیت پدیدارشدن آنها به کار بسته‌اند. پدیدارشناسی در پی بررسی توصیفی و بیواسطه آنچه که بر آگاهی ما پدیدار می‌شود است، و بیشتر شیوه نگریستن و دیدن است تا مجموعه‌ای از آموزه‌های سخت و دقیق. بدین معنا، پدیدارشناسی در پی تحصیل و ترویج احکام و گزاره‌هایی سخت و پی‌افکندن یک نظام فلسفی استوار به معنای کلاسیک آن نیست، بلکه بیشتر در پی فراهم آوردن اشارات و رهنمون‌هایی نرم و منعطف برای فهم و ادراک محیط است (شیرازی، ۱۳۹۳، ۹۰). رویکرد پدیدارشناسی که از اواخر دهه هفتاد قرن بیستم به بعد با ترجمه آثار مارتین هایدگر و گاستون باشلار به حوزه‌های تخصصی شهرسازی و معماری راه یافته و مورد توجه بسیار بوده است، رویکردی توصیفی است و درگستره تحقیق کیفی قرار دارد. بحران معنی در فضاهای شهری و کاستی‌های رویکرد کمی در نیل به حس مکان و الفت با مکان از دلایل بازگشت به رویکرد کیفی و نیز پدیدارشناسی بوده است (پرتوی، ۱۳، ۱۳۹۲). همان‌طور که موران خاطر نشان می‌سازد، پدیدارشناسی در صدد آن است تا ((نگرشی ناب و بی پیش‌داوری یعنی رهای از هرگونه پیش‌فرض‌ها و رویکردهای علمی، متافیزیکی، مذهبی یا فرهنگی بر وجوه بنیادین و اساسی تجربه انسانی در جهان و از جهان داشته باشد (Moran & Mooney, 2002, 1).

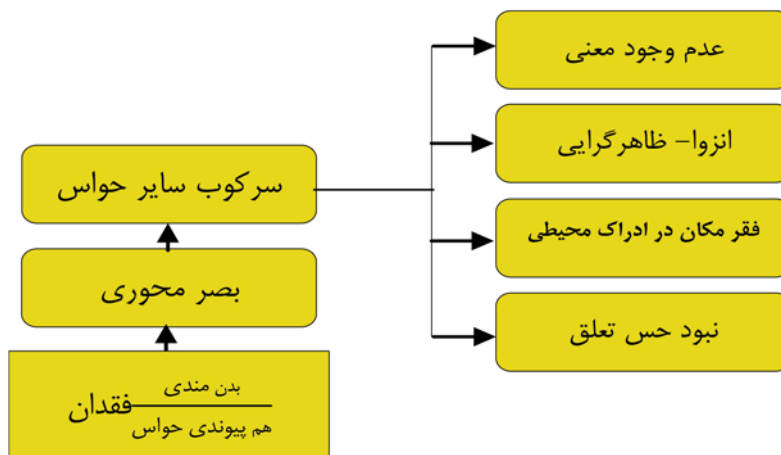
خانه مکانی است که وقوع زندگی روزمره را در خود گرفته است. در نگاهی فلسفی و روانشناختی، باید بین خانه و کاشانه فرق گذاشت. ما در کاشانه اتراق می‌کنیم، اما در خانه مقیم می‌شویم (شاهچراغی و بندرآباد، ۱۳۹۴، ۳۴۴). خانه صرفاً تجلی و تبلور یک اثر معماری، یعنی ابژه‌ای زیباشناختی نیست، بلکه یک پدیدار روان‌شناختی، روان‌کاوانه و اجتماعی است. پالاسما معتقد است که خانه بیانی است از شخصیت و خانواده و الگوهای بسیار منحصر به فرد زندگی‌شان. در نتیجه، گوهر خانه به زندگی نزدیک‌تر است تا به اثر تصنعی (شیرازی، ۱۳۹۱، ۶۱). سکنا‌گرینی، یادآور ارتباط کلی بشر با مکان است.

### ساختارشناسی مفهوم سکونت از دیدگاه پدیدارشناسان مرلوپوتنی

فلسفه پدیدارشناسی بیان‌کننده نظریه‌ای است که در آن تجربه فضایی به طور مستقیم تحت تاثیر ادراک بشر است. بدین معنی که رفتار انسان در جهان به وسیله ادراک حسی تعریف می‌شود. احساس و آگاهی قبل از اینکه فرآیند تفکر به آنها اضافه گردد، به بدن انسان منتقل شده است (اکسز و همکاران، ۱۳۹۵، ۲۲). در آغاز قرن ۲۰ م بنیادهای مدرنیته در تمامی عرصه‌ها مورد نقد قرار گرفتند. موریس مرلوپوتنی پدیدارشناس فرانسوی، از جمله متفکرانی است که با طرح روابط نوین میان (آگاهی و بدن)، (سوژه و جهان) نظام و روشمندی پیشین را به پرسش می‌گیرد (نمودار شماره ۱). مرلوپوتنی مسئله بدنمند بودن ادراک را مطرح می‌کند. بدنمندی ادراک مستلزم نگاهی نوین به حواس، به مثابه میانجی میان جهان بیرون و سوژه تجربه است. ادراک به واسطه هم‌پیوندی حواس در بدن همچون یک کل ارگانیک است که می‌تواند بدنمند باشد. این دیدگاه مرلوپوتنی پیامدهای بسیاری برای حوزه‌های گوناگون اندیشه داشته است (بصری، ۱۳۹۳).



نمودار ۱. دیاگرام ارتباط انسان-جهان از دیدگاه مرلوپوتنی. منبع نگارندگان



نمودار ۲. نتیجه فقدان بدنمندی از دیدگاه مرلوپونتی؛ منبع نگارندگان.

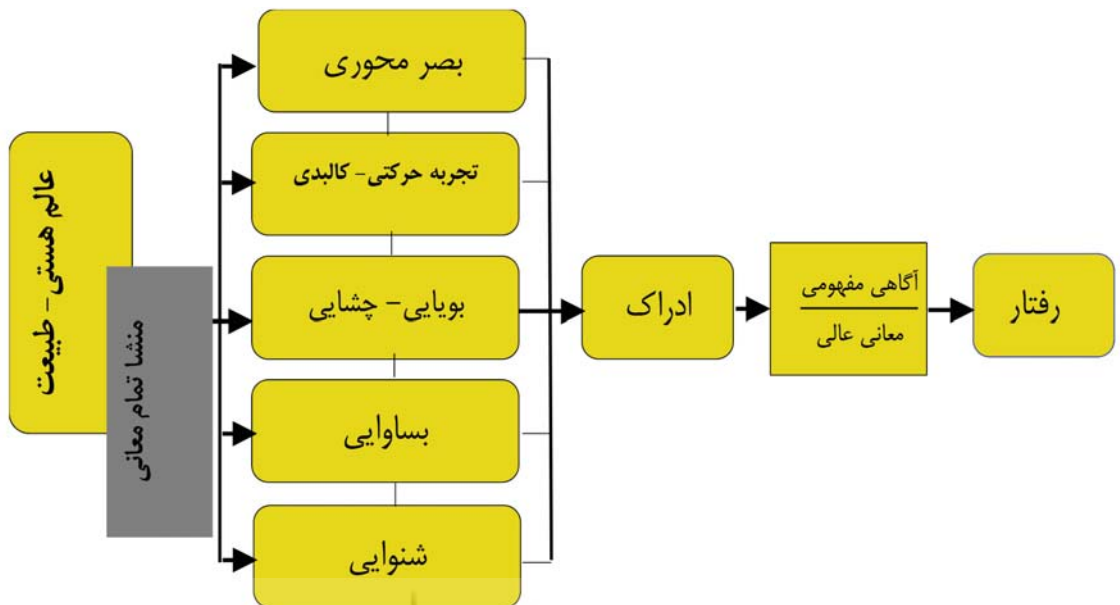
این احساس بستگی تام به بدن دارد و هر بدن متمایز از دیگر ابدان است، پس هر احساسی نیز به منزله یک امر وحدانی عالم را به نحو خاصی متجلی می‌کند و لذا میان عوالم گوناگونی که از طریق حواس بر ما گشوده می‌شود، وحدتی حسی برقرار است که رویارویی ما را با عالم میسر می‌سازد. نظر مرلوپونتی درخصوص کارکرد حواس با فیلسوفان پیشین کاملاً متفاوت است و این تفاوت به دیدگاهی که او از بدن دارد، بازمی‌گردد. از دیدگاه او، ارگانسیم یا بدن آدمی انطباعات حسی را به شکل منفعل دریافت نمی‌کند، بلکه انطباعات با نوعی تفسیر همراه است. آگاهی که در همه سنت‌های فلسفی صفت ممیز ادراک است (نمودار شماره ۳)، خود به این ارگانسیم زنده وابسته است (طالب زاده، ۱۳۸۵).

### گاستون باشلار

گاستون باشلار فیلسوف، شاعر فرانسوی در کتاب مشهور خود، بوطیقای فضا می‌گوید: «آدمی پیش از افکنده شدن به جهان، در گهواره خانه نهاده شده است» (باشلار، ۱۳۹۲، ۴۶). خانه، مکانی است که وقوع زندگی روزمره را در خود گرفته است. زندگی روزمره معرف چیزی است که تداوم خود را در هستی ما حفظ کرده و از این رو، همچون تکیه گاهی آشنا به پشتیبانی ما می‌نشیند (شولتز، ۱۳۸۴). باشلار معنای خانه را اینچنین بیان می‌کند: «خانه زادگاهی است که سلسله مراتب کارکردهای مختلف سکونت کردن یا زندگی کردن در یک خانه را برای همیشه در لوح وجود ما حک می‌کند» و یا در جایی دیگر می‌گوید: «هر فضایی که بتوان در آن به واقع مسکن گزید، مفهوم خانه را از آن

ادراک حسی فعل مقدماتی یافت معانی است، که پیش از هر تفسیری از ناحیه ما در عالم حاضر است یا نوعی فعل وجودی است که موضع ما در آن صرفاً منفعل نیست، بلکه عالمی در ضمن آن بر ما پدیدار می‌شود. ادراک حسی ملاحظه معنای موجودی درون عالمی است که در مجموعه‌ای از داده‌ها ظاهر می‌شود؛ این معنا بر هر حکمی مقدم است (طالب زاده، ۱۳۸۵). کیفیت‌های ماده، فضا و مقیاس به‌طور مساوی در چشم، گوش، بینی، پوست، زبان، اسکلت و عضلات بدن تقسیم شده‌اند (نمودار شماره ۲). معماری، هفت قلمروی تجربه حسی را در بر می‌گیرد که با هم در تعامل اند و یکدیگر را برمی‌انگیزند. به زعم مرلوپونتی «ما عمق، سرعت، نرمی و سختی اشیا را می‌بینیم» (هال و دیگران، ۱۳۹۴، ۳۹). مرلوپونتی بر این باور است که ساختار ذاتاً مکانی خود تن، منشأ مکان است. مکان فهمی، و خود را در مکان یافتن، نخستین واقعیتی است که سوژه در مقام درک وجود خود آن را در می‌یابد (شکری، ۱۳۹۵).

مرلوپونتی می‌کوشد با تحلیل ادراک حسی، شیوه مواجهه ما را با عالم روشن سازد؛ به عقیده او، ادراک پنجره‌ای به سوی اشیا، عالم و حقیقت می‌گشاید، چنان که در پدیدارشناسی ادراک می‌گوید: «ادراک دانش جهان نیست، حتی فعل نیز نیست یا اخذ دلخواه یک موضوع، بلکه زمینه‌ای است که همه افعال از آن پدید می‌آیند و پیش‌زمینه همه آنهاست». پس، ادراک یک ساختار کلی است که اساس و شالوده آن رفتارهای زیستی ماست و در رأس آن معانی عالی و آگاهی مفهومی قرار دارد. احساس، نخستین مرحله ارتباط ما با جهان است و چون

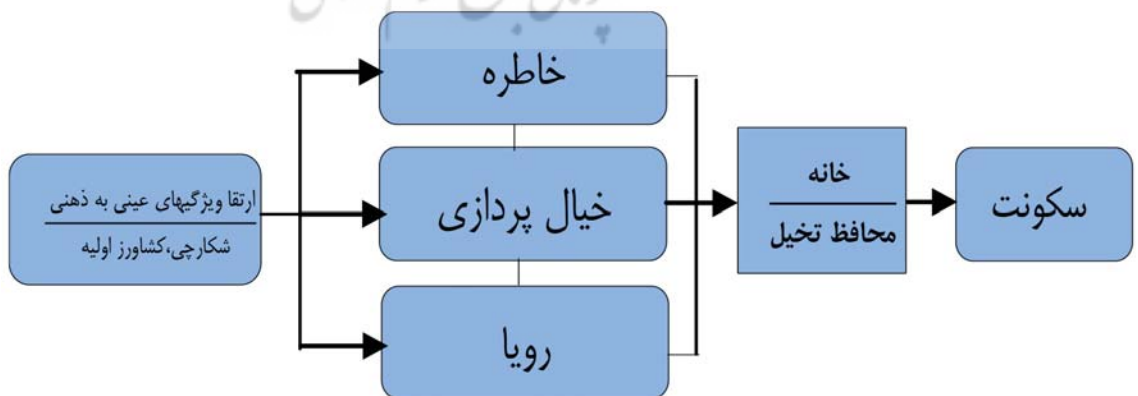


نمودار ۳. دیاگرام ارتباطات ادراکی از دیدگاه مرلوپونتی؛ منبع نگارندگان

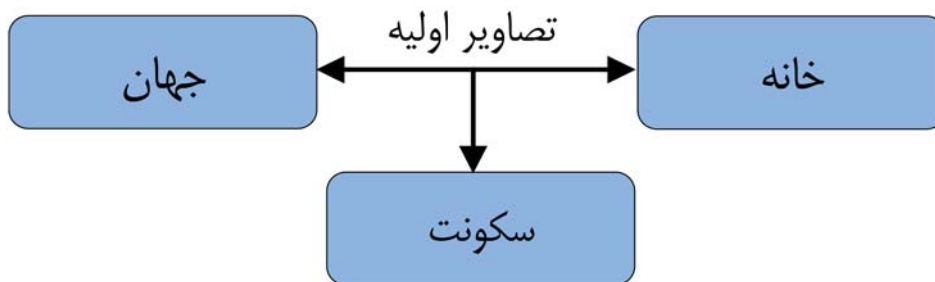
دیگران، ۱۳۹۴، ۱۸۹).

«تخیل» در آثار باشلار، کلیدواژه اساسی است. او معتقد است «اگر نتوانیم تخیل کنیم قادر به پیش‌بینی نیستیم». هر اتاق، می‌تواند از طریق تبدیل شدن به مکان رویا پردازی، شخصیتی منحصر به فرد یافته و در اختیار فرد قرار بگیرد. کنش‌های به خاطر سپردن و رویا پردازی با هم مرتبط‌اند. همانطور که باشلار به این موضوع اشاره می‌کند: «خانه خیال پردازی را ماوا می‌دهد (نمودار شماره ۴)، خانه از رویا پرداز محافظت می‌کند» (هال و دیگران، ۱۳۹۴، ۱۷۵). باشلار می‌نویسد: «مزیت عمده خانه این است که سر پناهی است بر رؤیای پردازی، خانه اجازه می‌دهد که شخص در آرامش رویا پردازی کند». حتی از این بیش،

خود می‌کند. خانه، تنها پناه دهنده روزها و شبهای حاضر ما نیست. در حفاظ آن، صندوقچه گذشته خود را نیز از خیال خاطرممان بارها باز و بسته می‌کنیم Pallasmaa (1992). باشلار در کتاب مذکور که به روح و روان فضا اختصاص دارد، سرشت خانه رویایی یا خانه ذهن را مورد کنکاش قرار می‌دهد. او در مورد تعداد طبقات این خانه کهن الگویی، مردد است؛ این خانه، سه و یا چهار طبقه دارد. اما وجود اتاق زیرشیروانی و سرداب، ضروری است؛ چرا که اتاق زیرشیروانی، مکانی نمادین برای ذخیره سازی خاطرات لذتبخش است که ساکن می‌خواهد به آن بازگردد، در حالی که سرداب، مخفیگاهی برای خاطرات ناخوشایند است؛ هر دوی آنها برای سعادت ما مورد نیازند (هال و



نمودار ۴. اهمیت جایگاه خانه به عنوان محافظ تخیل در دیدگاه باشلار؛ منبع: نگارندگان



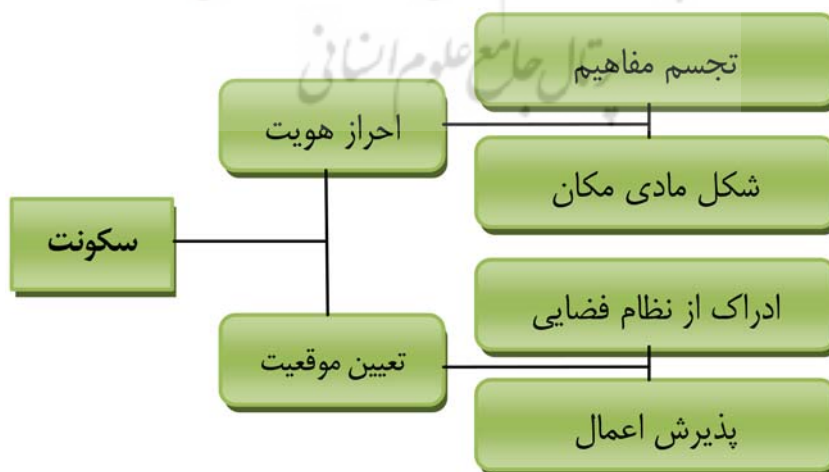
نمودار ۵. معنای سکونت در نظر باشلار. منبع: نگارندگان

### کریستین نوربرگ- شولتز

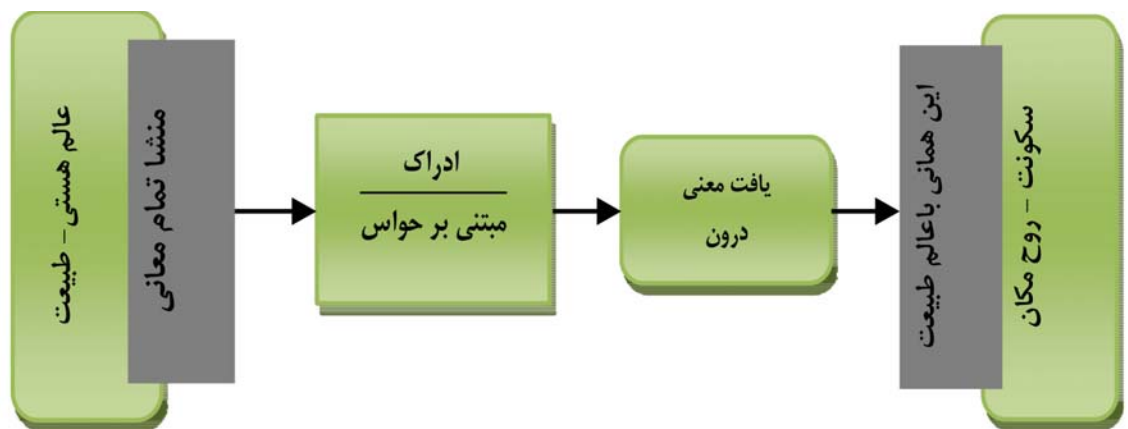
کریستین نوربرگ شولتز با تحقیقاتی که درباره سکونت انجام داده به توصیف اهمیت خلق معنا و باارزش بودن درک حسی پرداخته است. او معتقد است که وظیفه معمار دوگانه است چرا که علاوه بر در نظر گرفتن موضوعات تکنیکی و عملکردی، طراحی باید به گونه‌ای باشد که امکان تفسیر کیفیت‌های محیطی را برای ساکنان فراهم کند. او اظهار می‌دارد که معماری به مردم کمک می‌کند به معنای دقیق کلمه سکونت کنند. معماری زندگی در یک مکان را به چیزی بیشتر از برطرف کردن صرف نیازهای عملکردی، تبدیل می‌کند (نیلاندر، ۲۰۰۲، ۱۲). شولتز، نظریه‌های خود را در مورد معماری و بطور عام درباره «مکان و مجتمع‌های زیستی» بر مبنای اندیشه‌های افرادی همچون هوسرل<sup>۱</sup> و هایدگر<sup>۲</sup> بنا کرده است. شولتز در رابطه با «پدیدارشناسی معماری»، به «پدیدارشناسی محیطی» اشاره دارد و موضوع آن را «طبیعت و ساختار مکان در پیوند با زندگی» می‌داند. در این رابطه او اشاره دارد: «زمانی که چیزی رخ می‌دهد، ما می‌گوئیم برج(در

فضای معماری تفکرات ما را نیز تنظیم می‌کند؛ متوقف می‌سازد، قوت می‌بخشد، متمرکز می‌کند و مانع از انحراف آنها می‌شود. ما می‌توانیم وجود بیرونی‌مان را تصور و احساس کنیم، اما برای فکر کردن آسوده احتیاج به هندسه معمارانه اتاق داریم. هندسه فکر، پژوهشی از هندسه اتاق است (پالاسما، ۵۶، ۱۳۹۳).

تجربه خانه ضرورتاً تجربه‌ای از گرمای صمیمیت است. فضای گرم کنار شومینه نهایت فضای صمیمیت و راحتی است. معماری صرفاً به تفکرات عملکردی و آگاهانه و نیازهای اجتماعی مسکن‌گزینی شهری پاسخگو نیست، بلکه می‌بایست شکارچی و کشاورز اولیه عصر کهن را که در بدن نهفته‌اند به یاد آورد. احساس ما از راحتی، حفاظت و خانه، ریشه در تجارب ازلی نسل‌های بی‌شمار گذشته دارد. باشلار این‌ها را، «تصاویری که بدویت ما را به نمایش می‌گذارند» یا «تصاویر اولیه» نامگذاری می‌کند (نمودار شماره ۵). وی می‌نویسد: «خانه‌ای که ما در آن به دنیا آمده ایم در نهاد ما سلسله مراتب عملکردهای متنوع سکنی‌گزیدن را منقوش کرده است» (همان، ۷۵).



نمودار ۶. دیاگرام مفهوم سکونت از نگاه شولتز؛ منبع: اخوت و دیگران



نمودار ۷. دیاگرام تلخیص دیدگاه این همانی شولتز؛ منبع: نگارندگان

گشودگی و بازبودن به روی شخصیت محیط را شامل می‌شود که در گذشته از آن تحت عنوان روح مکان یاد می‌کردند. پدیدارشناسی مکان، درصدد است تا اصول اساسی (ساختاری) در احراز هویت مکان که خاطره، معنا و روح (حسن) مکان را دربردارد (نمودار شماره ۷)، شناسایی کند به همین منظور، هر مکانی با رویکردی تحلیلی در قالب دو مؤلفه فضا و کاراکتر، مورد بررسی قرار می‌گیرد و احراز هویت مکانی تنها در قالب طرح چنین تقسیمبندی میسر خواهد شد (بمانیان و دیگران، ۱۳۸۷، ۱۷).

### مطلوبیت و رضایتمندی

واژه مطلوب در فرهنگ فارسی معین، خواسته شده، دلپسند و خوش‌آیند معنی شده است (معین، ۱۳۸۱، ۱۷۶۰). رضایت نیز در معنی لغوی خود در فرهنگ عمید به معنی رضا، راضی بودن و خشنودی از چیزی یا مکانی آمده است (ذبیحی و همکاران، ۱۳۹۰). در معماری اساسی‌ترین عامل مردم هستند، از این روی معنای هر اثر معماری بدین وابسته است که این اثر تا چه اندازه آسایش، آرامش و رضایت مردم را تأمین می‌کند و در پاسخ به نیازهای ایشان کارا است (چرمایف و همکاران، ۱۳۷۱). کنترا، سه جزء اصلی را در ارزیابی ساکنان از محل زندگی موثر می‌داند: جنبه‌های فضایی (معماری و شهرسازی) جنبه‌های انسانی (همچون روابط اجتماعی) و جنبه عملکردی (خدمات و تسهیلات) (Canter, 1997). پژوهش‌های تجربی جدیدتر همچون پژوهش‌های بُنایتو (2006) و آیلو<sup>۱۱</sup> و آردنه<sup>۱۳</sup> (2010) بعد چهارم دیگری شامل متغیرهای زمینه‌ای همچون نحوه زندگی، جمعیت و نگهداری را به الگوی کنترا اضافه نمودند. یکی از بخش‌های مهم مطلوبیت و

جایی یا مکانی واقع)، شد. این گفته بر این امر دلالت دارد که جا یا مکان به بخش درونی و ذاتی زیست-جهان شکل می‌دهد؛ بنابراین نمی‌توانیم زندگی را در یک دست و مکان را در دست دیگر داشته باشیم، بلکه باید تمامی منسجم از این دو را داشته باشیم» (شولتز، ۱۳۸۲، ۸۹).

کاراکتر، «ماهیت عناصر و مولفه های فضا» را تعیین می‌کند، چنانچه نوربری شولتز، در مقاله «پدیده مکان»، بر این عقیده است که هر فعالیتی مکانهای ویژه با کاراکترهای خاص را می‌طلبد و تنها بواسطه کاراکتر مکان است که می‌توان با مکان ارتباط برقرار کرد و از این روی است که کاراکتر روشی است که طی آن، جهان داده شده است. کاراکتر مکان ارتباط با زمان دارد، چنانچه با تغییر فصول و حتی میزان و چگونگی تابش آفتاب در مفاهیم صوری و مادی مکان تعیین می‌شود. شولتز بیان می‌کند که زمانی که انسان، سکنی می‌گزیند، در واقع همزمان در یک فضا استقرار می‌یابد و در معرض کاراکتر محیطی قرار می‌گیرد که با دو عملکرد روانشناختی همراه می‌شود که «جهت یابی» و «شناسایی» نام می‌گیرند (شولتز، ۱۳۸۰، ۷). شولتز با تأکید بر نقش عناصر طبیعی در کسب تعلق مکانی، عینیت بخشی به معناها را وظیفه معمار می‌داند که در این راستا مکان طبیعی، نقش سرمشق برای مکان انسان ساخت را خواهد داشت. او درک طبیعت را مترادف رشد ذهنی و رشد را با تحصیل کیفیات فیزیکی اجزای طبیعی از یکسو و از سوی دیگر با درک معنایی روابط متقابل بین اجزا (نظم و قانونمندی ها، پیام ها) معنی می‌کند (شولتز، ۱۳۸۹، ۴۴). پدیدارشناسی مد نظر شولتز، جنبه‌های دوگانه سکونت را احراز هویت و تعیین موقعیت می‌داند (نمودار شماره ۶) که در ساختن مکان نقش بسزایی دارند. «احراز هویت»،



تصویر ۱. منظر عمومی مجتمع مسکونی آسمان تبریز، منبع نگارندگان

حفظ طبیعت و هماهنگی با آن را لازم و ملزوم یکدیگر یافتند. هویت ما با طبیعت مرتبط است و ابتدایی ترین قدم برای حفظ آن اهمیت و پایبندی به اخلاقیات محیطی است. منطقی نیست که منافع مستقیم تماس خود با طبیعت را تشخیص دهیم ولی به بقای آن اهمیت ندهیم (بل، ۱۳۸۲، ۱۱۹). نظریه پردازانی چون چرمایف و الکساندر، به خلأ ناشی از دوری از طبیعت در زندگی انسان معاصر پرداختند. اینان تماس‌های صمیمانه آدمی با طبیعت را شادی‌های بی نظیر توصیف می‌کنند (چرمایف و الکساندر، ۱۳۵۳، ۴۸). نوربرگ شولتز با اقتباس از نظرات هایدگر درباره ماهیت وجودی سکونت، هدف از معماری را سکنی‌گزینی می‌داند و معتقد است که بشر وقتی سکنی می‌گزیند که بتواند خود را با یک محیط تطبیق داده و با آن همدات پنداری کند. از این رو سکنی‌گزینی چیزی بیش از مأمن است و دلالت بر فضاهایی دارد که در آنها حیات به عنوان مکان در معنای واقعی کلمه حادث می‌شود (Hale, 2000).

### نظریه آزمایی

پژوهش علمی یک کوشش نظام‌مند جهت پاسخ دادن به پرسش‌های مطرح‌شده است. یکی از بخش‌های اصلی هر پژوهش علمی، جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها جهت آزمون نظریات بیان شده توسط محقق است. به‌کارگیری آزمون‌های آماری مناسب با روش پژوهش منجر به حصول اطمینان از دقت و صحت نتایج به‌دست‌آمده می‌گردد. در این قسمت وضعیت متغیرهای تحقیق با بکارگیری جداول و نمودارها به نمایش گذاشته شده و در ادامه برای پاسخگویی به سوالات پژوهش و نتیجه‌گیری از روش‌های آماری و آزمون‌های متفاوت با استفاده از نرم‌افزارهای

رضایتمندی در بخش معماری، مسکن است که مطالعات زیادی در خصوص آن انجام گردیده است. در مقاله حاضر مطلوبیت و رضایتمندی با رویکرد مطالعات مبتنی بر فلسفه پدیدارشناسی و اهمیت معنا و مکانیت آورده شده است. هیوج<sup>۱۴</sup> مطالعات فرهنگی در باب مسکن و خانه را به سه گروه تقسیم می‌کند که بجز مورد اول یعنی هویت و خانه آرمانی دو گروه دیگر در محدوده مطالعه حاضر قرار می‌گیرند:

۱. دسته اول که سنتی دیرینه در مطالعات مسکن به شمار می‌رود، ریشه در فلسفه و جغرافیا دارد. در این دسته مطالعات که «پدیدارشناسی» جایگاه ویژه‌ای در آن دارد، بر تجربه سوژه محور و ادراکات ذهنی فرد از جهان هستی خود تأکید می‌شود. به نظر پدیدارشناسان، سکونت فرآیند تبدیل یک مکان به خانه تعریف می‌شود. نوربرگ شولتز در همین راستا مفهوم «روح مکان» و رلف<sup>۱۵</sup> مفهوم «حس مکان» را مطرح می‌کند. در این سنت مطالعاتی، مسکن بیش از آنکه به عنوان یک ساختار مطرح شود یک فرآیند در نظر گرفته می‌شود و تعابیر شاعرانه و فلسفی در آن به کار می‌رود.

۳. مطالعات دسته دوم به دنبال تحقیق در باب معنای خانه هستند و بر زندگی روزمره انسانها تأکید می‌کنند. این سنت مطالعاتی به عنوان راهی برای توسعه روانشناسانه و تجربی معانی خانه شناخته می‌شود. یکی از معانی، نمایش هویت است (Hauge, 2007, 100).

ارتباط انسان و هستی (طبیعت) در پژوهش جزو عوامل اثر گذار بر فرآیند مطلوبیت در نظر گرفته شده اند. مطالعات مرتبطی نیز در این خصوص ذکر شده است. بسیاری از اندیشمندان معاصر احساس تعلق به مکان و نیز



جدول ۱. نمونه سوالات پرسشنامه، منبع نگارندگان.

نمونه سوالات پرسشنامه	
q1	چشم انداز قابل رویت از داخل به خارج مجتمع ما بسیار زیبا و دلپذیر است.
q7	محل قرارگیری زباله ها در محلی است که باعث آزار و ناراحتی همسایگان میگردد.
q13	صدای واحدهای مجاور یا طبقات بالا و پایین آرامش و حریم خصوصی ما را مخدوش کرده است.
q15	ورودی بلوک مسکونی در تابستان حس خنکی و سایه و در فصل زمستان گرمای مطبوعی دارد.
q19	کف سازی قسمت‌های مختلف مجتمع با یکدیگر تفاوت دارد و من بدون دیدن امکان تشخیص موقعیت را دارم.
q22	هنگامی که وارد فضای مجتمع می‌شوم احساس خوب و آرامش بخشی دارم.
q25	مجتمع مسکونی برای من یادآور خاطرات خوش آیندی در قدیم است.
q29	مجتمع مسکونی که در آن سکونت دارم، به میزان زیادی خواسته‌های من را در جهت سکونت در یک مجموعه ایده آل برآورده کرده است

در مدل، دایره‌های بزرگ معرف عامل‌های نهفته، مستطیل‌ها معرف سنجه‌های اندازه‌گیری مربوط به آن عوامل هستند و دایره‌های کوچک نیز نشان‌دهنده‌ی مقداری از واریانس تعیین شده برای هر متغیر است. اگر بارعاملی بین ۰/۲ و ۰/۶ باشد مطلوب، و در صورتی که بزرگتر از ۰/۶ باشد بسیار مطلوب است (Mirzadeh, 2009). در این پژوهش بارعاملی مورد پذیرش را برابر ۰/۲ در نظر می‌گیریم.

### تحلیل عاملی تاییدی عوامل موثر بر مطلوبیت

در این مدل کلی براساس مبانی نظری مطرح در ادبیات پژوهش ۵ عامل پنهان مربوط به تجربه حسی یعنی ۱. بینایی، ۲. بویایی و چشایی، ۳. شنوایی، ۴. بساوایی و ۵. بدنمندی و تجربه حرکتی در رابطه با متغیره پنهان ادراک و ادراک نیز در رابطه با احراز هویت و در نهایت این متغیرها در رابطه با رضایت‌مندی مورد بررسی قرار می‌گیرد. نتایج تخمین که در (جدول شماره ۳) ارائه شده است، حاکی از مناسب بودن نسبی شاخص‌ها دارد. با توجه به خروجی آموس مقدار  $\chi^2$  محاسبه شده برابر با ۷۲۸/۰۸۷ می‌باشد که نسبت به درجه آزادی آن یعنی ۳۱۵، کمتر از عدد ۳ می‌باشد. پایین بودن میزان این شاخص نشان‌دهنده تفاوت اندک میان مدل مفهومی با داده‌های مشاهده شده تحقیق است. مقدار RMSEA و RMR به ترتیب برابر با ۰/۰۸۱ و ۰/۰۴۹ می‌باشد. شاخص‌های GFI، NFI و CFI به ترتیب برابر با ۰/۹۰۱، ۰/۸۹۷ و ۰/۹۰۲ می‌باشد که نشان‌دهنده برازش نسبتاً بالایی می‌باشند. بارهای عاملی مدل در حالت تخمین استاندارد میزان تاثیر هر کدام از

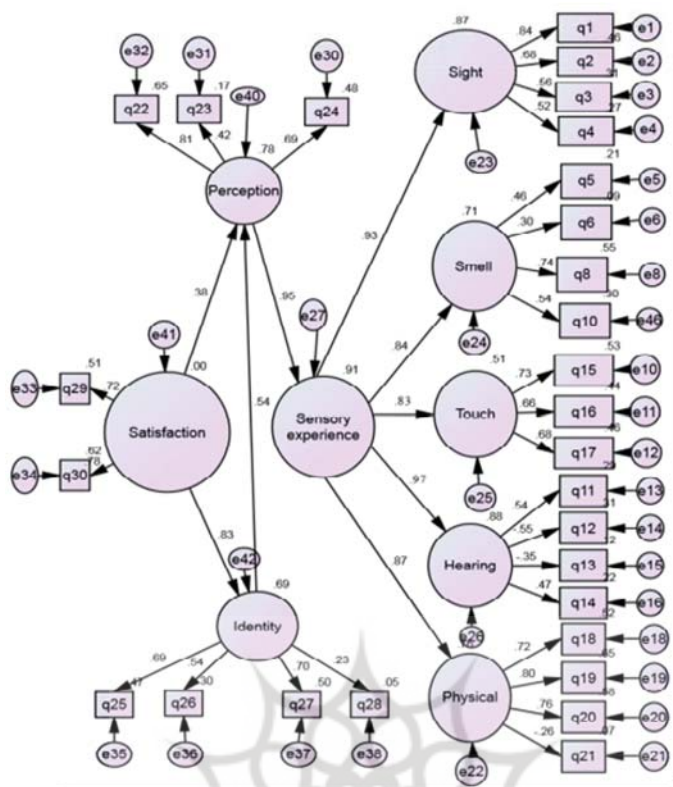
SPSS و Amos24 استفاده گردید. آزمون‌های KMO و بارتلت جهت بررسی مناسب بودن داده‌ها برای انجام تحلیل عاملی، و روش آماری تحلیل اکتشافی برای به دست آوردن عامل‌ها. در این حوزه براساس مبانی نظری مطرح در ادبیات پژوهش ۵ عامل به عنوان متغیرهای پنهان مورد بررسی قرار گرفته است: ۱. بینایی، ۲. بویایی و چشایی، ۳. شنوایی، ۴. بساوایی و ۵. بدنمندی و تجربه حرکتی. برای این منظور ۳۰ سوال در قالب طیف لیکرت پنج گزینه‌ای ارائه گردید. پرسش شونندگان ساکنان مجتمع مسکونی آسمان تبریز (تصویر شماره ۱)، جماران و شهید چمران تبریز بوده اند، که به روش تصادفی خوشه‌ای انتخاب شده‌اند.

ضریب کی ام او برابر ۰/۸۵۳ است و از طرفی از طریق آزمون بارتلت،  $p\text{-value}=/۰۰۰$  به دست می‌آید که در سطح ۵ درصد معنی‌دار است یا به عبارتی داده‌ها برای انجام تحلیل عاملی مناسب می‌باشند. برای بررسی پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده می‌شود. هر چه اندازه این ضریب نزدیک به ۱ باشد نشان می‌دهد پرسشنامه از پایایی بالایی برخوردار است.

### جدول ۲. بررسی پایایی پرسشنامه

آلفا کرونباخ	تعداد گویه‌ها
۰/۸۶۴	۳۰

مدل ارائه شده در (دیاگرام شماره ۱) بارعاملی هر سازه را در حالت تخمین استاندارد نشان می‌دهد. توجه کنید



دیگرام ۱. بارهای عاملی مربوط به مدل کلی پژوهش، منبع نگارندگان  
جدول ۳. بار عاملی مربوط به مدل رضایت مندی افراد، منبع: نگارندگان.

شاخص برازش	مقدار مطلوب	نتیجه
$\chi^2 / df$	< ۳/۰۰	۲/۳۱۱
GFI(goodness of fit index)	> ۰/۹۰	۰/۹۰۱
RMSE(Root Mean Squared error)	< ۰/۰۸	۰/۰۸۱
RMR(Root Mean Squared residuals)	< ۰/۰۵	۰/۰۴۹
NFI(Normed Fit Index)	> ۰/۹۰	۰/۸۹۷
CFI(Comparative Fit Index)	> ۰/۹۰	۰/۹۰۲

اگر آماره آزمون t-value از مقدار بحرانی ۱/۹۶ و -۱/۹۶- بزرگتر باشد، تمامی بارهای عاملی معنادار است. در بخش ادراک نیز q22 با بار عاملی ۰/۸۰۱ بیشترین تأثیر و q21 با بار عاملی ۰/۴۱۶ کمترین تأثیر در جهت عکس را بر این مؤلفه داراست. احراز هویت نیز q27 با بار عاملی ۰/۷۰۵ بیشترین تأثیر در جهت عکس و q28 با بار عاملی ۰/۲۳۳

متغیرها و یا گویه ها در توضیح و تبیین واریانس نمرات سازه اصلی را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر بار عاملی نشان‌دهنده میزان همبستگی هر متغیر مشاهده‌گر (سوال پرسشنامه) با متغیر مکنون (عامل‌ها) می‌باشد. تفاوت معناداری بارهای عاملی برعهده مقدار آماره t است. چون معناداری در سطح خطای ۰/۰۵ بررسی می‌شود، بنابراین

جدول شماره ۴: بارعاملی و آماره آزمون مربوط به رضایت افراد حاصل خروجی نرم افزار، منبع نگارندگان.

سنجه	مؤلفه	نشانه	بارعاملی	مقدار t	سطح معنی داری
ادراک	بازشناسی مکانیابی ثبات ادراکی	q22	۰/۸۰۶	۵/۱۲۱	*۰/۰۰۰
		q23	۰/۴۱۶	۵/۰۰۸	*۰/۰۰۰
		q24	۰/۶۹۰	۸/۸۹۱	*۰/۰۰۰
احراز هویت و تعیین موقعیت	روح مکان هویت مکانی خاطره معنا	q25	۰/۶۸۵	۲/۵۵۹	*۰/۰۱۱
		q26	۰/۵۴۳	۲/۴۷۹	*۰/۰۱۳
		q27	۰/۷۰۵	۲/۵۶۶	*۰/۰۱۰
		q28	۰/۲۳۳	۳/۵۴۱	*۰/۰۱۵
رضایت		q29	۰/۷۱۶	۵/۶۳۲	*۰/۰۰۰
		q30	۰/۷۸۵	۷/۹۰۳	*۰/۰۰۰

\* در سطح ۰/۰۵ معنی دار است.

کمترین تأثیر در جهت عکس را بر این مؤلفه داراست. در بخش رضایت مندی نیز q30 با بارعاملی ۰/۷۸۵ و q29 با بارعاملی ۰/۷۱۶ بیشترین تأثیر را بر این مؤلفه دارد. با توجه به اینکه مقدار آماره آزمون t-value از مقدار بحرانی ۱/۹۶ و ۱/۹۶- بزرگتر می باشد، در جدول (شماره ۵) تمامی بارهای عاملی معنادار است. سطح معنی داری بین احراز هویت و رضایت مندی برابر ۲/۵۰۴ است که بزرگتر از ۱/۹۶ می باشد و نشان می دهد ارتباط بین احراز هویت و رضایت مندی در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی دار است. همچنین بارعاملی (ضریب مسیر) این دو متغیر برابر ۰/۸۲۹ می باشد که نشان دهنده تأثیر بالای این متغیر بر رضایت می باشد. سطح معنی داری بین ادراک و رضایت مندی افراد برابر ۲/۲۰۱ است که بزرگتر از ۱/۹۶ می باشد و نشان می دهد ارتباط ادراک و رضایت مندی

در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی دار است. همچنین بارعاملی (ضریب مسیر) این دو متغیر برابر ۰/۳۸۱ می باشد که نشان دهنده تأثیر این متغیر بر عامل رضایت می باشد. سطح معنی داری بین تجربه حسی و ادراک برابر ۶/۱۲۶ است که بزرگتر از ۱/۹۶ می باشد و نشان می دهد ارتباط بین تجربه حسی و ادراک برابر ۰/۹۵۴ می باشد که نشان دهنده تأثیر زیاد تجربه حسی بر عامل ادراک می باشد. سطح معنی داری بین احراز هویت و ادراک افراد برابر ۲/۰۳۲ است که بزرگتر از ۱/۹۶ می باشد و نشان می دهد ارتباط احراز هویت و ادراک افراد در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی دار است. همچنین بارعاملی (ضریب مسیر) این دو متغیر برابر ۰/۵۳۹ می باشد که نشان دهنده تأثیر ادراک بر عامل احراز هویت می باشد.

جدول ۵. بارعاملی متغیرهای اصلی پژوهش حاصل خروجی نرم افزار، منبع نگارندگان.

t-value	مقدار P	بارعاملی	نشان متغیر (عوامل موثر بر رضایت)
۲/۵۰۴	*۰/۰۱۲	۰/۸۲۹	Identity Satisfaction →
۲/۲۰۱	*۰/۰۴۲	۰/۳۸۱	Perception → Satisfaction
۶/۱۲۶	*۰/۰۲۱	۰/۹۵۴	Perception Sensory experience →
۲/۰۳۲	*۰/۰۰۰	۰/۵۳۹	Perception → Identity

\* در سطح ۰/۰۵ معنی دار است.

## نتیجه گیری و جمع بندی

مسیر از حضوری مبتنی بر تن و ادراک حسی (مرلوپونتی) بهره می گیرد (جدول شماره ۶).

چنانکه اشاره شد، مطلوبیت سکونتگاه مفهومی گسترده است که از شاخصه های مختلفی تاثیر می پذیرد، و خود بر موضوعات دیگری همچون رفتار، موثر واقع میشود. بخشی از این عوامل شامل ویژگی های فرهنگی، اجتماعی و شخصی که (در مطالعات قبلی بررسی شده اند، با ذکر منبع) و در دیاگرام نهایی نمود یافته اند، در محدوده مطالعه حاضر نبوده اند. مسیر اصلی نمودار (بر اساس تایید مدل خروجی نرم افزار) سشامل فرآیندی است که چگونگی تبدیل شدن یک کل (عالم هستی - طبیعت) را به جزئی که انسان در آن استقرار می یابد (سکونت و

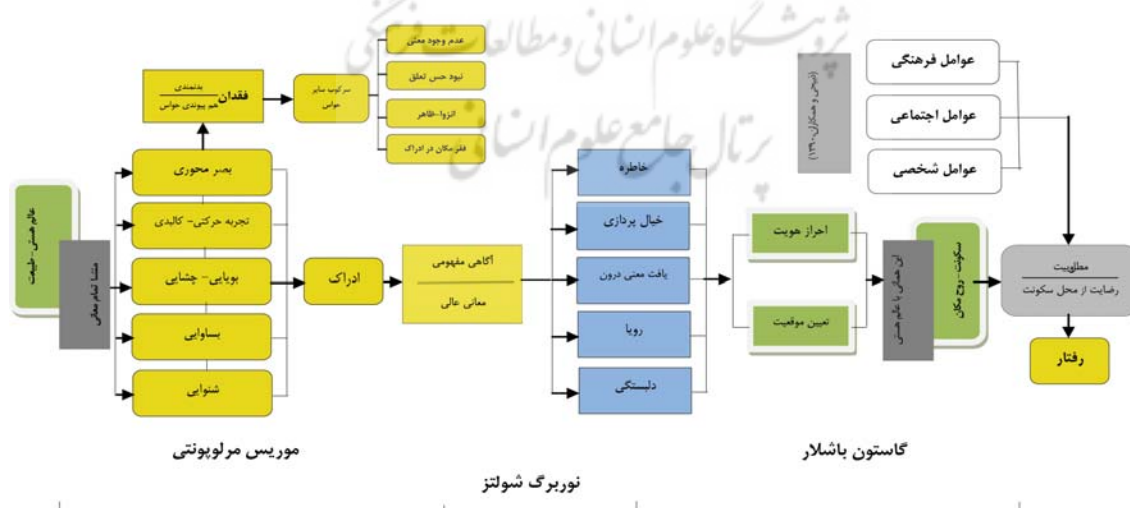
در جمع بندی دیدگاههای صاحب نظران پدیدارشناسی معماری و سکونت، براساس تحلیل های انجام شده بر روی پرسشنامه، میتوان نتیجه گرفت که خانه امروز فراتر از تامین نیازهای اولیه انسانی، مفاهیمی بالاتر در محدوده فلسفه و روانشناسی محیطی دارد. جوهره خانه، مبتنی بر چهارچوب سکونت ساکنان آن است. پدیدارشناسان، مسکن مطلوب را مسکنی می دانند که در جوهره و اصالت، به خود زندگی نزدیک تر است. مطالعه آشکار کرد که هر پدیدارشناس، چارچوب نظری و کلید واژگانی خاص برای پروراندن اندیشه خود دارد. مرلوپونتی، پدیداری عالم را از طریق ادراک حسی و بدنمندی می بیند، باشلار مفهوم خانه

جدول ۶. ارتباط نظرات و اندیشمندان پدیدارشناس. منبع: نگارندگان

پدیدارشناس	کلید واژگان پدیدارشناسی سکونت
موریس مرلوپونتی	ادراک حسی، بدنمندی، آگاهی
گاستون باشلار	تصویر اولیه، خاطره و خیال، خانه
کرسیتین نوربرگ شولتز	روح مکان، معنی درون، این همانی، سکونت

رضایت از آن) نمایش دهد. این مسیر شامل تاثیرات محیط، ادراک و ذهنی شدن عواملی است که در محدوده پدیدارشناسی قرار می گیرد. نظرات هر پدیدارشناس در بخشی که توفیق داشته است، متمایز گردیده است، سپس فصل مشترک اندیشه ها به عنوان نقطه قرابت و اتصال در

را در حفاظت خیال می جوید، و شولتز معنی سکونت را در روح مکان و این همانی با طبیعت می شناسد. در این دیدگاه مسکن مطلوب مسکنی است، که در این همانی با جهان از رویا و تخیل انسان (باشلار) محافظت می کند، با هویت و معنا، حس مکان (شولتز) را ایجاد می کند و در این



نمودار ۸ مدل تجمیعی، مفهومی مطلوبیت سکونتگاه. منبع: نگارندگان.

یکپارچگی نمودار نقش ایفاء کرده‌اند. سرآغاز، برداشت حواس از عالم هستی است، نقطه پیوستگی در مطالعات مرلوپوتنی و باشلار. نمودار با بسط نظریات مرلوپوتنی نتیجه فقدان بدنمندی را که شامل عدم وجود معنی و نبود حس تعلق است ارائه می‌کند. در مرحله دوم ادراک محل اتصال کلیدی تفکرات نوربرگ شولتز و مرلوپوتنی است. مرلوپوتنی کلمه ادراک را حاصل برداشت حواس و شولتز آن را به معانی عالی (آگاهی مفهومی) همچون خاطره و تخیل توسعه می‌دهد. مرحله اصلی و پایانی برای طراحی نمودار، تعریفی است که گاستون باشلار از این همانی سکونتگاه با عالم هستی، به عنوان پیشنهاد آرامش و رضایت ذکر می‌کند. باتوجه به نتایج بحث و تایید نتایج در آزمون انجام شده در نهایت مدل مفهومی مطلوبیت سکونتگاه به شکل زیر ارائه می‌گردد (نمودار شماره ۸).

## منابع و ماخذ

۱. اخوت، هانیه؛ بمانیان، محمدرضا؛ انصاری، مجتبی. (۱۳۹۰). بازشناسی مفهوم معنوی «سکونت» در مسکن سنتی اقلیم کویری. مطالعات شهر ایرانی اسلامی. دوره دو، شماره پنج، ۹۵-۱۰۲.
۲. اکسنر، اولریخ؛ و پرسل، دتریش. (۲۰۰۷). مفاهیم پایه در طراحی فضا، (شادی عزیزی و صفورا اولنج، مترجمان). تهران: نشر فکر نو.
۳. باشلار، گاستون. (۱۳۹۱). بویطقای فضا، (مریم کمالی و محمد شیریچه، مترجمان). تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
۴. بریمانی، آلاله. (۱۳۹۱). سنجش مؤلفه های پدیدارشناسی برای ارزیابی حس مکان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین.
۵. بل، سایمون. (۱۳۸۲). منظر الگو، ادراک و فرآیند. (بهناز امین زاده، مترجم). تهران: دانشگاه تهران.
۶. بمانیان، محمد رضا؛ محمودی نژاد، هادی؛ پورجعفر، محمدرضا؛ انصاری، مجتبی؛ تقوایی، علی اکبر. (۱۳۸۷). پدیدارشناسی محیط شهری. نشریه محیط زیست، دوره دهم، شماره ۴، ۲۹۷-۲۸۲.
۷. پالاسما، یوهانی. (۱۳۹۳). چشمان پوست، معماری و ادراکات حسی. (رامین قدس، مترجم). تهران: پرهام نقش، گنج هنر.

۸. پرتوی، پروین. (۱۳۹۲). پدیدارشناسی مکان. موسسه متن: تهران.
۹. پنج‌تنی، منیره. (۱۳۹۴). فلسفه معماری؛ گفتگو با مهرداد قیومی بیدهندی. مجله اطلاعات حکمت و معرفت. شماره یکصد و دوازدهم، ۱۲-۵.
۱۰. چرمایف، سرچ؛ الکساندر، کریستوفر. (۱۳۷۱). عرصه‌های زندگی جمعی و خصوصی؛ به جانب یک معماری انسانی. (منوچهر مزینی، مترجم). تهران: دانشگاه تهران
۱۱. ذبیحی، حسین؛ حبیب، فرح؛ رهبری‌منش، کمال. (۱۳۹۰). رابطه بین میزان رضایت از مجتمع‌های مسکونی و تأثیر مجتمع‌های مسکونی بر روابط انسان (مطالعه موردی چند مجتمع مسکونی در تهران). فصلنامه هویت شهر. سال پنجم، شماره هشتم، ۱۱۸-۱۰۳.
۱۲. سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس؛ حجازی، الهه. (۱۳۹۶). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: آگه.
۱۳. شولتز، کریستیان نوربری. (۱۳۸۴). مفهوم سکونت، به سوی معماری تمثیلی. (محمود امیری‌احمدی، مترجم). تهران: آگه.
۱۴. شیرازی، محمدرضا. (۱۳۹۱). معماری حواس و پدیدارشناسی ظریف یوهانی پالاسما. تهران: رخداد نو.
۱۵. طالب زاده، سید حمید. (۱۳۸۵). ادراک حسی در پدیدارشناسی مرلوپوتنی. مجله فلسفه. دوره ۳۴، شماره ۱، ۷۲-۶۳.
۱۶. معین، محمد. (۱۳۸۱). فرهنگ معین. تهران: ادنا: کتاب راه نو.
۱۷. نوربرگ شولتز، کریستیان. (۱۳۹۳). وجود، فضا و معماری. (ویدا نوروزبرازجانی، مترجم). تهران: پرهام نقش.
۱۸. نوربرگ شولتز، کریستیان. (۱۳۸۰). پدیده مکان. (نیر طهوری، مترجم). فصلنامه معمار. شماره سیزده، ۱۲-۴.
۱۹. نیچه، فریدریش ویلهلم؛ هیدگر، مارتین؛ فوکو، میشل؛ گادامر، هانس گئورگ. (۱۳۹۳). هرمنوتیک مدرن؛ گزینه ساختارها. (بابک احمدی، مهراں مهاجر، محمد نبوی، مترجمان). تهران: نشر مرکز.
۲۰. هال، استیون؛ پالاسما، یوهانی؛ پرزگومز، آلبرتو.



۲۳. Hale, Jonatan A. (2000). *Building Ideas: An Introduction To Architectural Theory*. John Wiley & Sons, Chichester, England.
۲۴. Harries, K. (1997). *The Ethical Function of Architecture*. Cambridge: Mass, MIT Press.
۲۵. Hauge, Ashild, Lappegard. (2007). Identity and place: a critical comparison of three identity theories. *Architectural Science Review*. 50(1):44-51.
۲۶. Mirzadeh, M. (2009). *Statistical analysis with spss software*. Tehran: Tayma.
۲۷. Moran, Dermot; Mooney, Timothy. (2002). *The Phenomenology Reader*. New York: Routledge.
۲۸. Pallasmaa, J. (1992). Identity, Intimacy and Domicile: Notes on the phenomenology of home. Retrieved June 3, 2017. From [http://www.uiah.fi/studies/history2/e\\_ident.htm](http://www.uiah.fi/studies/history2/e_ident.htm)
- (۱۳۹۴). پرسش‌های ادراک؛ پدیدار شناسی معماری. (مرتضی نیک فطرت، سیده صدیقه میرگذار، احسان بیطرف، مترجمان). تهران: فکر نو.
۲۱. Aiello, Antonio; Ardone, Grazia, Rita; Scopelitti, Massimiliano. (2010). Neighbourhood Planning Improvement: Physical Attributes, Cognitive and Affective Evaluation and Activities in Two Neighbourhoods in Rome. *Journal of Evaluation and Program Planning*, 33, 264-275.
۲۲. Bonaiuto, Marino; Fornara, Ferdinando; Bonnes, Mirilia. (2006). Perceived Residential Environment Quality In middle - And low - Extension Italian Cities. *Revue Européenne de Psychologie Appliquée*, 56 / *European Review of Applied Psychology*, 56. 23-34.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

مدیریت شهری

صلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۴۷ تابستان ۱۳۹۶  
No.47 Summer 2017